

تغییر و تحولات جنبش کارگری ایران در سالهای اخیر

رحمان احمدی

یکشنبه بیستم بهمن ۱۳۸۷

تحولات جنبش کارگری ایران در سالهای اخیر، بدون اشاره به تاریخ مبارزات طبقاتی این جنبش در دوره رژیم شاهنشاهی و همچنین انقلاب ۵۷، اعتراضات گسترده کارگری برای رسیدن به خواست و مطالباتشان، برگزاری مراسم‌های اول ماه مه، اعتصابات و مبارزات با شکوه کارگران شرکت نفت و بخشهای دیگر مراکز تولیدی مداوما در جریان بوده است اما تعرضات وسیع، خفقان و سرکوب اعتراضات و مبارزات کارگری در دهه‌های بعد از انقلاب و منحل کردن تمام تشکلهای، حمله به سطح معیشت کارگران و فعالین کارگری از جانب سرمایه داران و حامیان آنها، چنان بی سابقه بوده که طبقه کارگر هنوز نتوانسته است آن را به عقب براند.

این تعرض از تحمیل یک قانون کار کاملا ضد کارگری گرفته تا قراردادهای موقت و سفید امضا، دست مزد ناچیز عدم پرداخت همان اندازه حقوق ناچیز و حقوقهای معوقه و عدم ایمنی کار و دهها مصیبت دیگر را در بر میگیرد. به هر حال در طول تمام سالهای اخیر به طبقه کارگر ایران شرایط فلاکت باری تحمیل شده است که علیرغم تلاشهای زیاد و مبارزات و اعتراضات مکرر، هنوز بهبودی در شرایط زندگی طبقه کارگر بوجود نیامده است و تاکنون بیشتر مبارزات و اعتصابات کارگری برای گرفتن حقوق معوقه و جلوگیری از اخراج و به اصطلاح تعدیل سازهها و از این قبیل بوده است که اساسا تدافعی‌اند. اما این شیوه تدافعی در ۴-۵ سال گذشته با تلاش رهبران فکری و عملی و پیشروان کارگری شکل تا حدی تعرضی را به خود گرفته است.

برای نمونه میتوان به برگزاری مراسم های اول ماه مه شهرهای سقز، سنندج و تهران و دیگر شهرهای ایران و همچنین تحسن موفقیت آمیز کارگران نساجی سنندج در چند مورد اعتصاب کارگران شرکت واحد تهران و حومه برای گرفتن حقوق معوقه اضافه دست مزد و رسمیت دادن به سندیکای این شرکت است اعتصاب گسترده و تجمعات خیابانی و تشکیل سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه با نیروی خود کارگران و دهها اعتصاب و اعتراضات دیگر را میتوان تحولی در جنبش کارگری به حساب آورد. در مجموع این حرکات و در بتن این مبارزات طیفی از رهبران و فعالین کارگری عروج کرده اند و در سطح کشوری و بین المللی شناخته شده هستند و برای گرفتن خواسته ها و مطالباتی از قبیل داشتن امنیت شغلی، بالا بردن سطح حداقل دست مزد و تلاش برای تشکیل یابی به عنوان مطالبات عمومی طبقه کارگر ایران فعال هستند.

بنظر من اولین چشم انداز از ایجاد تحولات جدی در جنبش کارگری ایران بوجود آوردن صنفی واحد از درون فعالین و رهبران کارگران گره خورده است. قبل از هر چیز رهبران کارگران در مراکز کلیدی کارگری مانند شرکت نفت، ذوب آهن ماشین سازیها در بخش حمل و نقل و خدمات شهری همدیگر را بیابند، دستشان را به هم بدهند و منشاء یک تحرک و تعرض توده ای و سراسری کارگری برای احقاق خوسته ها و مطالباتشان شوند. کارگران هم باید در سطح

وسیع تر مبارزاتی گام بردارند و تشکلات مستقل و طبقاتی خود را علم کنند که به نظر من بهترین تشکل شورا است. اگر چه طبقه کارگر بنا به ظرفیت و توانمندی خودش مبارزه میکند و متشکل می شود طبقه کارگر باید از محدود نگری و حرکات صنفی خارج و وارد فاز طبقاتی در مبارزات خود شود و فعالین هم باید با افشای گرایشات ضد کارگری و فرقه ای که همیشه بلای جان کارگران بوده اند برای وحدت و یکپارچه گی این جنبش تلاش و فعالیت نمایند و حضور طبقه کارگر را در صحنه ی کشمکشهای طبقاتی یاری و مساعدت نمایند. آزادی های فردی و اجتماعی آزادی بیان، اجتماعات و تشکل. برابری زن و مرد و دیگر مطالبات مدنی را امر طبقه ی کارگر بدانند و طبقه ی کارگر را به رهبری این مطالبات سوق و هدایت نمایند.

از نظر من این زمینه فراهم شده در غیر این صورت طبقه ی کارگر راه را به جای نمی برد و در تحولات آتی به حاشیه می رود و به سیاهی لشکر گرایشات سرمایه داری در رنگهای گوناگونش تبدیل می شود.

رحمان احمدی ۸۷/۱۱/۱۵

کمیته همهانگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

www.komitteyehamahangi.com

komite.hamahangi@gmail.com